

## بسمه تعالی

مصاحبه سیدحسین شرف الدین با جناب صدقی از موسسه صراط مبین در موضوع «امید اجتماعی در ایران»، تاریخ ۹۹/۵/۲۶

۱) شاخصه‌های سنجش کاهش یا افزایش امید اجتماعی در کشور چیست؟ قبل از ذکر شاخص ها، و طرح هرگونه بحث در خصوص «امید اجتماعی» بدست دادن یک تلقی نسبتاً مشترک و مورد وفاق از امید اجتماعی، ضرورت منطقی دارد. [موضوعی که احتمالاً جناب صدقی خود بدان وقوف دارند]

شاخص های افزایش: اشتیاق جمعی به گفت و گو(طرح ذهنی سناریوها و پردازش روایات مختلف از جریان پیشرفت کشور و حل تدریجی مشکلات)، تعامل و همکاری، مشارکت اجتماعی، اعتماد متقابل، کار و تلاش جدی، تحرک اجتماعی، بسط ظرفیت های آرزومندی، به تعویق انداختن موقت برخی خواسته ها به دلیل موانع تحقق، شادابی و نشاط عمومی، ترجیح منافع جمعی بر منافع شخصی، اعتماد به نفس بالا، رویارویی قاطع با مشکلات و موانع، فرصت آفرینی و تبدیل تهدیدها به فرصت، مآل اندیشی و آینده نگری، مسئولیت پذیری جمعی، مشارکت در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، همراهی با اجرای سیاست های مرحله ای نظام، استحکام نسبی خانواده و کاهش اختلافات، میل وافر به حل منطقی مشکلات، کاهش نسبی آمار انحرافات و کج رویها و...

کاهش: ویژگی های فوق در شکل معکوس آن، می تواند شاخص و نشانه کاهش امید اجتماعی در یک جامعه تلقی شود. بعلاوه: فقدان تصور روشن از آینده و عدم امکان پیشی بینی، عدم برنامه درسطوح خرد و کلان به دلیل مبهم بودن وضعیت، سرخوردگی، افسردگی و کرختی اجتماعی، تنفروخشونت اجتماعی سیاسی، کاهش تعهد به انجام وظایف واهمال کاری، تضعیف حس نועدوستی، افزایش تعارضات خانوادگی، میل به بی بندوباری اخلاقی، بالابودن آمار آسیب ها و انحرافات اجتماعی، بالابودن نرخ خودکشی، افزایش پرونده های قضایی، احساس نیاز بیشتر امنیت (روانی، اخلاقی، اقتصادی، شغلی)، روزمرگی، میل به عزلت، میل به بی تفاوتی مدنی، میل به تمرد و عصیان مدنی، میل به مهاجرت

۲) علل و عوامل فرهنگی، اجتماعی کاهش امید اجتماعی در ایران کدامند و به نظر شما مهم‌ترین عامل چیست؟

فساد ساختاری، ناکارآمدی مدیریتی، عدم چرخش نظام مند نخبه گان، عدم شایسته سالاری در اعطای مسئولیت ها، مسئولیت گریزی مسئولان از پاسخ دهی به افکار عمومی در خصوص عملکردهای ضعیف خود، مشکلات مزمن اقتصادی، بیکاری شایع، تبعیض های توجیه ناپذیر، بی عدالتی، گونه های مختلف نابرابری و شکاف طبقاتی، بی ثبات اوضاع اجتماعی - اقتصادی واحساس وخیم تر شدن مستمرآن، امید آفرینی های کاذب و وعده های محقق نشده مسئولان، کاهش توان ملی در تولید ثروت، رشد تدریجی حاشیه نشینی، شیوع انواع مواد مخدر، شیوع انواع رانت (رانت اطلاعاتی، سیاسی، اقتصادی)، پدیده آفازادگی، گذشته گرایی و عدم توجه به اقتضائات حال و آینده، دعوای جناحی فرساینده و بی حاصل، تغییرات سریع جامعه و بروز شکاف میان بخش های مختلف، ناهماهنگی موضعی میان عناصری از فرهنگ سنتی با فرهنگ مدرن، غیر قابل پیش بینی بودن اوضاع، تحریم های دشمن، تهاجم فرهنگی، کاهش تدریجی درآمد ناخالص ملی، کاهش تدریجی ارزش پول ملی، خام فروشی و عدم بهره گیری درست از ثروت ها و منابع طبیعی، بحرانهای زیست محیطی، تهدیدات محیطی و جنگ روانی، رسانه ای شدن محیط و اطلاع یابی مستمر از اوضاع متغیر، دل مشغولی زیاد به واقعیت های عینی و انضمامی و کم توجهی به آرمانها و ایدئالها، و مهاجرت برخی نخبه گان از کشور، استقرار کشور در منطقه پر آشوب،

۳) پیامدها و تبعات منفی کاهش امید اجتماعی در ایران برای جامعه چیست و مشخصا در زمینه فرهنگ دینی چه تبعاتی به دنبال دارد؟ اگر در خصوص تاثیرات کاهش امید اجتماعی در ایران بر مسائل امنیتی نیز توضیحی دارید، بفرمایید؟

ضعف انسجام و همبستگی اجتماعی، ضعف تمایل به مشارکت اجتماعی، ضعف توان در رویارویی با مشکلات و بحرانهای، ضعف تحرک و پویایی، کاهش انگیزه برای کار و تلاش سازنده، کاهش راندمان و نتیجه بخشی فعالیت ها، شیوع مشاغل کاذب، عدم امید به آینده بهتر، رخوت و سستی، تنفر و خشونت، کاهش اعتماد به ساختارهای حاکم، ضعف تمایل به شرکت در فعالیت های دموکراتیک، میل به نافرمانی مدنی، انزواگزینی، تشدید میل به تولید و پذیرش افکار تقدیرگرایانه، سوق یابی به مصرف مخدرات، و در شکل حاد، میل به خودکشی، کاهش حساسیت

های اخلاقی، افزایش تمایل به ارتکاب ناهنجاریها و طرح وسایل و اهداف فاقد مقبولیت اجتماعی، افزایش هزینه های امنیتی و قضایی و... طبیعی است که ادامه چنین وضعیتی جامعه را به رکود و رخوت و درماندگی ذهنی، روانی و حرکتی گرفتار می سازد. در چنین وضعیت هایی معمولاً اراده های ضد اجتماعی به جریان افتاده و هزینه های مادی، روانی و فرهنگی سنگینی را بر جامعه تحمیل می کند.

۴) راهبردها و راهکارهای افزایش امید اجتماعی در ایران چیست؟ از منظر دینی و فرهنگی و اجتماعی توضیح بفرمایید.

اصلاحات ساختاری، فضا سازی فرهنگی، اصلاح باورها و نگرش، خلق تصاویر و بازنمایی های مثبت، افق گشایی و بشارت به وضعیت های بهتر و کاهش مخاطرات، خلق آرزوهای بزرگ و امید به تحقق تدریجی آنها در آینده، تقویت ذهن گرایی به جای عین گرایی انضمامی (تقویت مواضع ایدئالیستی به جای رئالیستی متصلب در برخورد با واقعیت های اجتماعی)، توجه به ظرفیت های بالقوه به جای فعلیت ها، عطف توجه به موفقیت ها به جای شکست ها (نقاط قوت به جای نقاط ضعف)، آموزش امیدوارنه زیستن (توجه به اصل «این نیز بگذرد»، «در نومیدی بسی امید است»، «ان مع العسر یسر» و...)، کاهش شکاف میان دولت و ملت، تلاش برنامه ریزی شده در جهت رفع و کاهش موانع توسعه، برنامه ریزی و سیاست گذاری مقطعی و هدفمند متناسب با امکانات و محدودیت ها، فعال سازی ظرفیت ها و قابلیت های موجود، توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات، تلاش در جهت تامین نیازهای اساسی و پایه (مادی، امنیتی، شناختی، ارتباطی)، تقویت میزان همبستگی اجتماعی، ایجاد فرصت های سیاسی و اجتماعی برای مشارکت هرچه بیشتر توده ای، ایجاد زمینه برای رقابت های آزادانه و عادلانه، تامین آزادی های مشروع (آزادی عقیده، بیان، گردهمایی، انتقاد)، اقدام در جهت حذف و بی اعتبار سازی گونه های مختلف رانت داری و ویژه خواری، افزایش سهم تولید ناخالص ملی، اعطای حقوق شهروندی متناسب با سطح انتظار و اقدام اساسی در تامین ملزومات آن، رفع حداکثری تبعیض ها و امکان دهی به درک و احساس عدالت، آموزش توانمندی، تلاش در جهت زدودن آثار «درماندگی القا شده» توسط نهادهای آموزشی، تزریق مستمر امید به جامعه توسط نهادهای مختلف بویژه رسانه ها، ایجاد زمینه برای افزایش بهره وری در سطوح خرد (افراد و خانواده ها) و کلان، واکنش دهی ضابطه مند به خدمت ها و خیانت

های گروهها و جریانات ذی نفوذ، ایجاد زمینه برای مشارکت بیشتر سازمانهای مردم نهاد، دانش بنیاد و بخش خصوصی، اهتمام به سیاست های اجرای عدالت توزیعی و رویه ای در سطوح مختلف، تقویت این احساس جمعی که افراد در سرنوشت خود مشارکت و تاثیر دارند(امکان عملی تعهدورزی دموکراتیک)، تقویت راههای گفت و گو میان افراد و گروههای مختلف و...

۵) بر اساس روند فعلی، آینده کاهش امید اجتماعی در ایران را چگونه ارزیابی می کنید؟  
پیش بینی وضعیت یا وضعیت های آتی، تنها به صورت مشروط و طرح مجموعه ای از اگر-آنگاهای محتمل ممکن است. معمولاً پیش بینی وضعیت ها در جهان پرتلاطم کنونی به دلیل کثرت متغیرهای دخیل و نقش پررنگ عوامل بیرونی غیر قابل رصد، بسیار پیچیده و جز در قالب طرح سناریوهای محتمل غیرممکن خواهد بود.

از دید من، جامعه ایران، به دلیل سبقه و صبغه دینی و مذهبی، عمق و غنای اعتقادی، زندگی در ظل نظام ولایی دین محور بویژه با توجه به سرمایه های معنوی و عمق و غنای آموزه ای اسلام و مشخصاً مکتب اهل بیت(ع)؛ هیچگاه به یاس و نومیدی جمعی در اشکال فرساینده آن مبتلا نخواهد شد. امید اجتماعی به عنوان یک امر روان شناختی، یا جامعه شناختی و حتی یک امر وجودشناختی، اگرچه به تبع متغیرهای متعدد محیطی و اوضاع و شرایط سیال اجتماعی، نوساناتی را تجربه می کند و گاه به دلیل اعمال برخی سیاست های ظالمانه دشمن مثل تحمیل جنگ، تحریم، تهدیدهای نظامی، اوضاع پرتب و تاب اقتصادی و... به کمترین میزان ممکن تقلیل می یابد اما در پرتو وجود برخی پارامترهای فرهنگی و مذهبی و برخی زیرساخت های اعتقادی و ارزشی، هیچگاه به مرحله فرسایش شتابنده و مهار ناپذیر نمی رسد.

دینداری خود همواره زمینه و ظرفیت بالایی برای یوتوپیا سازی فراهم می سازد. از این رو، جامعه ایمانی، به معنای واقعی کلمه، جامعه ای همواره امیدوار و متوکل است و بیشتر از اتکا و اعتماد به شرایط، امکانات و سرمایه های موجود و در دسترس، به دست های پنهان و عوامل غیبی چشم امید دارد. از سویی، خوش بینی به آینده و امید و انتظار به تحول اوضاع موجود در جهت وضعیت های مطلوب، مقتضای فطرت انسانی ما و لازمه زندگی در جهان پرتلاطم و پرتزاحم مادی است. این خوش بین طبق یافته های روان شناختی، بیشتر از آنکه تابع واقعیت های عینی باشد، تابع تصورات و نوع نگاه ما به هستی و تفسیر ما از رویدادهای جهان پیرامون و وقایع اتفاقیه است.

